

مجرم و مسئولیت کیفری مجرم

مجرم: کسی که مرتکب یک عمل خلاف قانون می شود و یا مخالف ارزشهای اجتماعی.

برخی گفته اند مجرم کسی است که خلاف قانون یا شرع را مرتکب شود.

سوال:

منظور از ارزشهای اجتماعی، چیست؟

منظور اعتقادات دینی و اجتماعی است که مورد قبول عقلا جامعه می باشد که فطرت و وجدان آن را قبول می کند.

نکته:

بین هنجار و ارزش رابطه ای عموم و خصوص من وجه برقرار است یعنی هر هنجاری ارزش نیست و هر ارزشی هنجار نیست.

سؤال:

به چه کسی مجرم گفته می شود به شخص حقیقی یا حقوقی و یا هر دو؟

شخص حقیقی: موجودی است که دارای قوه اراده مستقل است و دارای حق و تکلیف است.

به بیانی دیگر دارای قوه ی اراده است که یا (حق دارد یا تکلیف دارد) و یا هر دو را با هم دارد.

شخص حقوقی: از اجتماع اشخاص حقیقی که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند تشکیل شده و می تواند

همچون اشخاص حقیقی دارای حق و تکلیف باشد.

[اشخاص برای یک هدف خاص گروهی تشکیل دهند و طرف حق قرار گیرند].

نکته :

هر چیزی که بر شخص حقیقی بار می شود بر شخص حقوقی بار نمی شود زیرا بعضی از حقوق و تکالیف به

ذات انسان باز می گردد مانند زوجیت، ابویت، ...

شخص حقوقی دارای دو قسم است:

۱. مربوط به حقوق عمومی [مؤسسات و سازمانهای عمومی که قانون به آنها استقلال مادی و اداری داده است مثل مجلس شورای اسلامی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و ...]
۲. مربوط به حقوق خصوصی [آن دسته از اشخاص حقوقی که با روابط خصوصی مردم سروکار دارند مثل شرکت های تجاری، مؤسسات، موقوفات و ...]

جواب:

عده ایی موافق مسئولیت کیفری شخص حقوقی هستند اما عده ایی می گویند امکان ندارد شخص حقوقی مجرم باشد و فرد حقیقی است که مرتکب جرم شده است. پس شخص حقوقی را نمی توان مجازات کرد زیرا این حرف دارای ۳ اشکال است:

اشکال اول:

اکثر مجازات های قانون مجازات امکان اجرا بر روی شخص حقوقی ندارد مثل شلاق، قصاص، تبعید و ... به بیانی دیگر برخی از مجازات های در نظر گرفته امکان ندارد بر روی شخص حقوقی اجرا شود.

مقدمه:

اصل شخصی بودن مجازات: یعنی یک نفر که جرمی مرتکب می شود همان شخص مجرم مجازات می شود.

اصل فردی بودن مجازات: یعنی به شخصیت مجرم نگاه می کنیم آیا زن یا مرد، فقیر است یا غنی، کبیر است یا صغیر و ... و مجازات با این موارد تغییر می کند.

اشکال دوم:

در اینجا اگر یک فرد حقوقی دچار جرمی شود و او را مجازات کنیم اصل شخصی بودن دچار هجمه واقع شده بنابراین تنها فرد باید مجازات شود نه شخص حقوقی زیرا تنها آن فرد جرم انجام داده پس چه دلیلی دارد که شخص حقوقی را مجازات کنیم و اگر شخص حقوقی را مجازات کنیم سهم دارها و بقیه هم دچار ضرر می شوند.

اشکال سوم:

اصلی ترین هدف مجازات تربیت و پاک بودن مجرم است. یعنی بازدارندگی مجرم و سوق پیدا کردن به جهت صحیح و پاک کردن او، اما در مورد شخص حقوقی نمی توان این هدف را پیش گرفت.

جواب موافقین از اشکال اول:

آن مجازات هایی بر اشخاص حقوقی بار می شود که امکان اجرای آن ها هست مثل مجازات های مالی و آن هایی که قابل اجرا نیست را با مواردی همانند آن جایگزین می کنیم مثل اعدام و حبس برای شخص حقیقی که برای شخص حقوقی معدوم و تعلیق می شود.

جواب از اشکال دوم:

اصل این اشکال صحیح است اما باید گفت که این اصل در شخص حقیقی هم اجرا می شود یعنی این اشکال مختص به شخص حقوقی نیست مثل پدری که جرمی مرتکب می شود و ما او را اعدام می کنیم که با این اعدام فرزندش ضرر می کند زیرا بی پدر می شود. پس نمی توان از این مورد اجتناب کرد یعنی مجازات تنزیلی است و به گونه ای دارای ضرر و زیان است.

جواب اشکال سوم:

این تنها و اصلی ترین هدف نیست بلکه اهداف دیگری هم در نظر است مثل بازدارندگی برای دیگران، نظم اجتماعی، عدالت و ...

در نتیجه:

قانون گذار نظرش مطابق موافقین است و برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری قائل شده است.

ماده ۱۴۳ ق.م اسلامی

تبصره: ماده ۱۴ ق.م اسلامی

ماده ۲۰ ق.م اسلامی

ماده ۱۹ ق.م اسلامی

ماده ۵۰۵ ق.م اسلامی

انواع دخالت اشخاص در جرم:

۱. مباشر [مستقیم و بلا واسطه]: یعنی شخص تمام عناصر مادی جرم را خودش مرتکب می شود.

نکته:

مباشر معنوی [یعنی سبب] کسی است که جرم را توسط دیگری انجام می دهد و آن شخص مسئولیت کیفری ندارد مثل اینکه من توسط یک کودک جرمی مرتکب شوم که در این جا به من مباشر معنوی یا سبب گویند.

مباشر معنوی ← توسط دیگری انجام می دهم که این باعث تشدید مجازات می شود.

ماده ۱۲۸ ق.م اسلامی [هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند

به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد.

هم چنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات

معاونت در آن جرم محکوم می شود.]

فرقی بین مباشر معنوی و مادی نیست.

ماده ۶۲۱ ق.ت اسلامی [هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر

منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری شخصی را برباید

یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر

از پانزد سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا

حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب

جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد.]

۲. مشارکت: به نوعی زیر مجموعه مباشرت است و فرقی با مباشرت این است که تعداد افراد در انجام عنصر

مادی جرم بیش از یک نفر است. مثل اینکه ۴ نفر به ۱ نفر چاقو بزنند و باعث مرگ او شوند.

ماده ۱۲۵ ق.م اسلامی

نکته:

شدت و ضعف تاثیری در این مجازات ندارد، یعنی مثلا نفر سوم با شدت بیشتر می زد باعث نمی شود که او فقط قاتل باشد بلکه باز هم در قتل شریک هستند و فقط در این جا درصد شراکت متفاوت است.

سوال:

آیا مشارکت در تمامی جرائم متصور است یا خیر؟

خیر، نمی توان مشارکت را در تمامی جرائم تصور کرد مثل زنا، شرب خمر زیرا در این موارد جرم قائم به یک نفر است.

آیا در افعال و جرائم مرکب مشارکت معنا دارد یا خیر؟

بله متصور است زیرا یکی فریب می دهد و شخص دیگر مال را می برد.

آیا در جرائم ترک فعلی هم مشارکت را می توان تصور کرد مثل ترک نفقه؟

بله طبق ماده ۵۴۸ تعزیر است متصور است. [هرگاه ماموری که موظف به حفظ و ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار می شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.]

۳. تسبیب: اقدامی که با واسطه ی یک یا چند عامل دیگری به صورت غیر مستقیم در ایجاد یک حادثه تاثیر می گذارد به طوری که امکان نسبت دادن حادثه به آنها وجود داشته باشد.

نکته:

۱. در تسبیب یک مباشر وجود دارد.

۲. این عامل مباشر می تواند حیوان باشد، انسان باشد و می تواند عامل دیگری مثل ماشین باشد.

۳. در تسبیب اگر مباشر فاقد مسئولیت کیفری باشد قطعاً سبب مسئول است که به این حالت تسبیب محض می گویند مثل اینکه فرد کودک را مجبور به انجام کاری کند که در این صورت خود سبب مسئول است.

سوال:

اگر مباشر دارای اهلیت باشد حکم چیست؟ مثلاً یک فرد در خیابان در حال حرکت است، موتور سواری به او برخورد می کند، آمبولانس مصدوم را سوار کرده و به جای اینکه آرام برود با سرعت می رود و شخص جراحتش شدیدتر می شود، در آمبولانس بار می شود و مصدوم از ماشین به بیرون پرتاب می شود و شخص ضربه مغزی می شود و بعد از انتقال به بیمارستان به او آمپول اشتباه تزریق می شود و باعث مرگ او می گردد. در این مثال دکتر که آمپول را اشتباه تزریق کرده مباشر و بقیه سبب هستند.

حال در این جا یک موضوعی پیش می آید به نام اجتماع سبب و مباشر.

اولین فرض این است که ← تاثیر مباشر بیشتر از سبب باشد مثل اینکه شخص به دیگری جرحی وارد می کند و او را به بیمارستان می رسانند و بدن تست به او آمپول تزریق می کنند که باعث مرگ او می شود در این جا عامل بیمارستانی تاثیر بیشتر است و محکوم است و سبب فقط مسئول جرح است.

دومین فرض این است که ← تاثیر سبب بیش از مباشر باشد مثل اینکه بچه ای را می بریم بیمارستان و دکتر آمپولی برای او تجویز می کند و پرستار همان آمپول را که دکتر تجویز کرده تزریق می کند ولی بعد مشخص می شود که اصلاً این آمپول برای درمان این مرض نبوده «یعنی دکتر اشتباه کرده» در این جا پرستار مباشر است ولی دکتر که سبب است قوی تر است پس مباشر مسئولیتی ندارد.

سومین فرض این است که ← تاثیر سبب و مباشر مساوی باشد مثل اینکه دو نفر به شخصی حمله کرده اند، نفر اول با چاقو ضربه وارد می کند و نفر دوم سگ خود را رها کرده تا شخص را بکشد در این جا مباشر و سبب [یعنی صاحب سگ] مساوی هستند. در این جا طبق ماده ۵۲۶ تعزیرات هر دو ضامن هستند.

ماده ۵۲۶ ق.م اسلامی [هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به او است ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند.]

اجماع سبب:

نظریات در خصوص اجماع اسباب

۱) سبب مقدم در تاثیر دارای مسئولیت است به این صورت که از میان اسباب متعدد تنها سببی که مقدم بر اسباب است در وقوع حادثه تاثیر دارد و آن سبب مسئول است.

۲) سبب موخر در تاثیر دارای مسئولیت است به این صورت که آخرین سبب از نظر زمانی بعد از اسباب دیگر ایجاد شده است مسئول خواهد بود.

۳) سبب قوی تر مسئول است.

۴) اشتراک در مسئولیت یعنی همه با هم مسئول هستند.

۵) شرط پویای نتیجه [یعنی سببی که در ایجاد نتیجه تاثیر مثبت داشته است و زمینه را برای تاثیرگذاری دیگر عوامل فراهم کرده لذا اسباب ساکن و ایستا نمی تواند تاثیر داشته باشند برای همین اسبابی که حرکت داشته اند مسئول هستند].

مثل اینکه سه نفر ایستاده باشند، نفر سوم نفر دوم را که وسط ایستاده است را هل دهد و نفر وسطی سرش به نفر اول برخورد کند و بمیرد. در این جا نفر سوم محرک است و نفر اول ایستاده است.

نظر قانون گذار: ماده ۵۳۵ ق.م اسلامی [هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو

سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب یا اسباب

دیگر باشد ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری

به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت کسی که سنگ را گذاشته و ضامن است مگر اینکه

همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم مصوب می شود].

طبق این ماده قانون گذار نظر اول را قبول کرده است.

معاونت در جرم:

ماده ۱۲۶ ق. مجازات «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

الف) هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد.

ب) هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ) هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره: برای تحقق معاونت در جرم...».

نکته:

در بعضی مواقع معاونت به عنوان جرمی مستقل در نظر قانون گذار است و مجازات مستقل دارد و به مباشر اصلی کاری ندارد [چه جرم اتفاق بیفتد و چه اتفاق نیفتد مثل تهیه اسلحه برای دیگری] و در بعضی مواقع جرم معاونت به تبع جرم مباشر جرم است و مستقلاً جرم نیست.

مثال: برای بند الف ماده ۱۲۶ ← اگر فلانی را بکشی فلان مقدار پول به تو می رسد [تطمیع]

اگر به فلانی جرحی وارد کنی و یا آبرویش را نبری زندگیت را به باد می دهم [تهدید].

مثال برای بند ب ← نگهداری دادن برای عدم ورود پلیس به منزل - نگه داشتن فرد برای چاقو زدن دیگری - اسلحه خریدن برای مرتکب جرم.

معاونت:

معاونت عبارت است از تحریک کردن فرد مجرم به ارتکاب جرم به صورت ترتیب به تهدید، تطمیع، و یا تسهیل کردن وقوع جرم که می تواند به صورت تهیه وسایل ارتکاب جرم و یا نگهداری فرد مقتول یا مضروب برای ضربه زدن باشد.

شرایط معاونت:

۱) باید بین معاون و مباشر وحدت قصد وجود داشته باشد: یعنی هم مباشر و هم معاون قصدشان

مثلا مجروح کردن فرد باشد. مثلا چاقویی می دهم به فردی تا شخص را مجروح کند، این جرم با وحدت قصد هر دو واقع شده.

اگر معاون به قصد مجروح کردن شخص دیگری را تهدید و یا ... کند و مباشر طرف را بکشد، معاون، معاون جرم قتل نیست، اما قصد مباشر هم کشتن نبود اما این ضربه کشته شدن طرف شد آیا این فرد معاون، معاون در قتل است یا خیر؟

جواب: کسی که چاقو را تهیه کرده و داده به قصد جرح بوده نه قتل، شخص مباشر هم به قصد جرح ضربه می زند اما طرف می میرد و قتل واقع می شود. معاونت در این جا وجود ندارد زیرا قصد قتلی وجود ندارد چه رسد به وحدت قصد، پس معاون در این جا، معاون در جرح است نه در قتل.

در نتیجه:

۱. معاونت در صورتی صدق می کند که با مباشر جرم، اتحاد داشته باشند و الا اگر معاون قصد جرح داشته باشد و مباشر قصد قتل در این جا به خاطر عدم وحدت قصد میان معاون و مباشر، معاونت در جرم قتل محقق نمی شود. [زیرا قصدها متفاوت است].

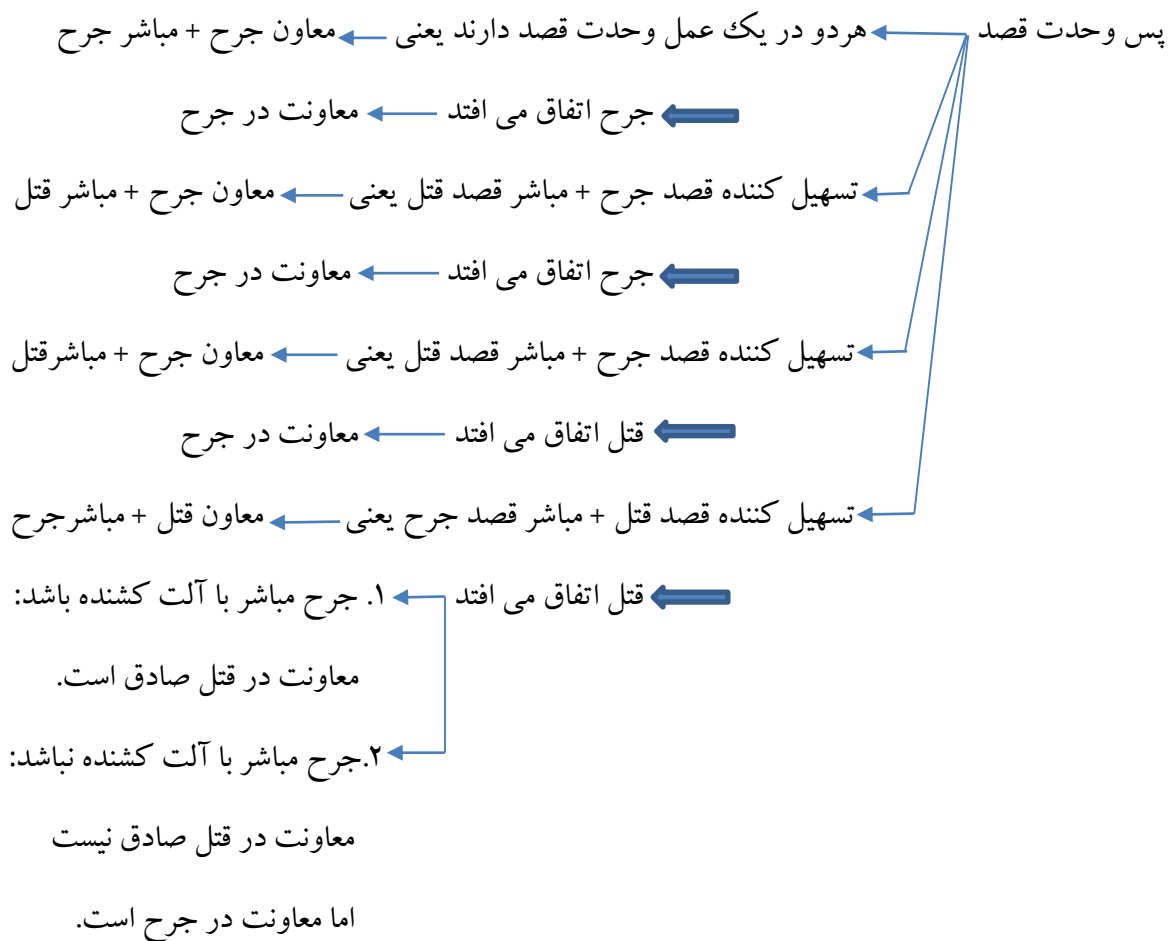
۲. اگر هر دو دارای قصد واحد باشند و قصد شان جرح باشد ولی منتهی به قتل شود، در این جا باز معاونت در قتل محقق نمی شود اگر چه مباشر به خاطر استفاده از وسیله غالباً کشنده قاتل شمرده شود.

۳. اگر نظر معاون کشتن بوده ولی نظر مباشر جرح بوده و شخص اتفاقاً کشته شد آیا شخص معاون در قتل است یا خیر؟

جواب: اگر مباشر ضربه ای که می زند غالباً کشنده است فرضی را بر قصد و عمد مباشر می گیرم و فرد معاون، معاون در قتل می شود، اگر چه قصد اولیه مباشر قتل نبوده اما چون ضربه کشنده بوده یک نوع وحدت قصد پیش می آید.

اگر مباشر قصد جرح داشته و معاون قصد قتل:

اگر بگوییم جرح مقدمه ی قتل است، معاونت در جرح صورت گرفته است:



۲) تقدم یا تعارن رفتار [فعل] معاون و مباشر: [یعنی هم در فعل و هم در قصد].

نکته :

مساعدت مجرم بعد از عملیات جرم معاونت نیست.

مثلا شخصی سرقت کرده و فردی شخص دزد را در خانه اش پناه می دهد که به این فرد معاون در سرقت نمی گویند.

یا مثل راننده و دزد معاون در دزدی نیست زیرا جرم انجام شده است.

تقدم مثل ← تحویل اسلحه قبل از عمل برای قتل شخصی

تقارن مثل ← همزمان با سرقت من بیرون خانه نگهداری می دهم.

بعد از جرم مثل ← مثل راننده دزد که معاونت صادق نیست و در بعضی موارد این خودش جرم مستقلی

است مثل پناه دادن به فرد مجرم که جرم است. ماده ۵۵۴ و ۶۳۶ ق.م اسلامی

ماده ۵۵۴ «هرکسی از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی از محاکمه محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرعه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

نکته:

حتی اگر قصد راننده این باشد که مجرم را برساند و از قبل هماهنگ کرده باشند، باز هم چون تقارن وجود ندارد معاونت حساب نمی شود.

سوال:

آیا وحدت قصد باید قبل از وقوع جرم باشد یا هم زمان هم می تواند انجام شود؟

مثلا یکی آمده برای بردن مال و شخص دیگری هم آمده برای دزدی و از قبل با هم تباری نکرده اند، یکیشان نگهداری می دهد و دیگری دزدی می کند مثلا پدر نگهداری می دهد و فرد دیگری مال را بر می دارد.

حقوق و جزای عمومی ۲

جواب: اگر یکی از آن دو پدر صاحب مال باشند مثل مثال بالا وحدت قصد وجود ندارد زیرا پدر می تواند از مال پسرش بردارد اما اگر به غیر پدر باشد فرقی نیست که قبل از وقوع جرم نیتشان یکی باشد یا هنگام وقوع جرم با هم هماهنگ کنند و وحدت قصد ایجاد شود زیرا در هر دو صورت معاونت وجود دارد زیرا تقدم یا تقارن فعل و قصد وجود دارد.

ماده ۱۲۷ ق.م اسلامی: در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف. در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه.

ب. در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش.

پ. در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش.

ت. در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی. تبصره... .

سوال:

اگر فردی مالی را می دزدد و از کسی که در خیابان است کمک می گیرد آیا آن شخص معاون است یا مجرم؟

جرم سرقت توسط شخص اول اتفاق افتاده است و فرد دوم مجرم و معاون نیست زیرا وحدت قصد وجود ندارد.

ماده ۱۲۸ و ۱۳۰ ق.م اسلامی: مثال هایی که برای معاونت در جرم و مجازات تعیین شده زیر مجموعه ماده ۱۲۷ نیست.

زیرا در شرع فقط معاونت در جرح آمده است ← ممسک ناظر و قاتل.

قاتل = قصاص

ممسک [نگهدارنده] = حبس معبد

ناظر = چشمانش در می آید

در این جا هر دو [ممسک و ناظر] معاون در جرم هستند و چون شرع مجازاتشان را تعیین کرده، دیگر به ماده ۱۲۷ رجوع نمی کنیم.

فرق بین شرکت و معاونت:

در شراکت لازم است همه ی آن افراد و عنصر مادی را انجام دهند اما در معاونت عنصر مادی نیست و معاون عنصر مادی جرم را انجام نمی دهد و فقط وسایل را آماده یا فرد را تشویق می کند و البته اگر معاونت جرم مستقل باشد، شخص معاون، مباشر هم می شود مثل معاون در قتل + مباشر در تهیه اسلحه [که تهیه اسلحه جرم مستقل است] که این فرد می تواند در جرم مستقلش شریک داشته باشد.

تعاریف ماده ۱۲۶:

ترغیب: ایجاد میل و علاقه در دیگری نسبت به ارتکاب جرم مثل تشریح و توصیف جرم به نحوی که شخص به آن علاقه پیدا کند.

تحدید: وا داشتن دیگری به انجام جرم بوسیله ی ترساندن او نسبت به جان، مال، ناموس و آبرو.

تطمیع: برانگیختن حس طمع در افراد جهت ارتکاب جرم مثلا با وعده دادن یا قول به تحصیل مقام [در آن وعده و وعید نهفته است].

تحریک: برانگیختن شخص به ارتکاب جرم با هر وسیله ایی خواه دادن مال، خواه وعده و خواه تشویق [تحریک تمام موارد قبل را شامل می شود یعنی ترغیب، تحریک هم هست و ...].

ارائه طریق: ارائه ی راه و روش از طریق راهنمایی و آموزش.

تسهیل وقوع جرم: آسان کردن جرم برای اصلی مثل کشیک دادن در محل سرقت یا نگه داشتن قربانی جهت ارتکاب جرم یا نگه داشتن نردبان جهت دزدی.

نکته:

۱. تمام مصادیق معاونت در ماده ۱۲۶ حضری است اما موارد دیگری هم وجود دارد که معاونت هست اما معاونت قانونی نیست مثل سکوت کردن.

۲. معاونت باید حتما در ایجاد جرم تاثیر نداشته باشد و اگر تاثیر نداشته باشد معاونت صدق نمی کند. [برفرض چه نگهبانی وجود داشته باشد چه نداشته باشد جرم محقق می شد و این نگهبان تاثیر نداشت پس معاون نیست].

۳. اگر کسی بعد از ارتکاب جرم کمک به مجرم کند معاون محسوب نمی شود اگر چه جرم مستقلی باشد. ماده ۵۵۴ و ۶۳۶ ق.م.اسلامی.

۴. معاونت در مواردی صادق خواهد بود که عمل اصلی، خود جرم باشد.

نکته:

هرکسی که جرمی مرتکب می شود مجازات نمی شود یعنی چه بالغ باشد یا نباشد، مجنون باشد یا نباشد، مکره باشد یا نباشد: یعنی همه ی افراد به صورت کلی مجازات نمی شوند زیرا بعضی افراد فاقد مسئولیت کیفری هستند.

افراد مسئولیت کیفری دارند که دارای ویژگی های زیر باشند:

۱- عاقل باشد.

۲- بالغ باشد.

۳- مختار باشد.

ماده ۱۴۰ ق.م اسلامی [مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد همین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم قصاص آمده است].

سوال:

مختار باشد یعنی چه؟

تعریف مختار هم مجبور را خارج می کند و هم مکره را ولی ضرورت را خارج نمی کند زیرا در ضرورت شخص دارای اراده است در نتیجه شخص مضطر دارای اختیار است.

فرق ضرورت و اضطرار:

ضرورت عوامل خارجی است اما اضطرار یک حالت درونی است.

علل رافع مسئولیت کیفری:

۱- عدم بلوغ

۲- جنون

۳- اجبار و اکراه

نکته:

مسئولیت کیفری امری شخصی است نه فردی.

یعنی اگر فردی مرتکب شد به شخص او نگاه می کنیم که آیا دارای مسئولیت کیفری است یا خیر.

ماده ۱۴۱ ق.م اسلامی [مسئولیت کیفری، شخصی است].

اگر یک عمل جرحی توسط صغیر انجام شود ما نمی توانیم طبق قاعده که گفتم صغیر مسئولیت کیفری ندارد، بگوییم پس شریک او هم مسئولیت کیفری ندارد، بلکه به هر فردی طبق خودش نگاه می کنیم. یعنی اگر دارای مسئولیت کیفری بود مجرم است.

عوامل موجه جرم:

عواملی که باعث می شود شخص مجازات شود و عمل او جرم محسوب نگردد مانند دفاع شروع عملیات ورزشی و ...

فرق عوامل موجه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری.

(۱) عوامل موجه جرم، عواملی بیرونی است ولی رافع مسئولیت کیفری عواملی درونی است.

(۲) در عوامل موجه جرم، جرم بودن عمل ارتكابی منتفی می شود ولی در رافع مسئولیت کیفری جرم کماکان جرم است.

(۳) در عوامل موجه جرم، شریک و معاون مجازات نمی شوند اما در عوامل رافع مسئولیت کیفری مجازات می شوند.

(۴) در عوامل موجه جرم، مسئولیت مدنی هم زائل می شود به غیر از موارد استثناء اما در عوامل رافع مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی به قوه خود باقی است. البته بسیاری از حقوق و آنان با این مورد مخالف هستند.

سوال:

آیا مسئولیت کیفری از فعل غیر هم ناشی می شود؟ [مثلا دیگری یک عملی انجام دهد ولی کس دیگری مسئول کار او باشد].

ماده ۱۴۲ [مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی

مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود].

پس طبق این ماده این امر ممکن است اما با ۳ شرط:

- ۱- عمل ارتكابی شخص اول جرم باشد.
 - ۲- فرد نسبت به دیگری وظیفه داشته باشد «وظیفه مراقبت، نظارت، حفاظت».
 - ۳- فرد دچار تقصیر شود «مثلا از وظیفه ی خود کوتاهی کرده است مانند ولی که از کودک خود مراقبت نکرده است».
- یا اینکه نسبت به فعل دیگری، فرد تقصیر داشته باشد مثل سرایدار که درب منزل را قفل نکرده است.

عواملی که باعث می شود عامل مجازات شود:

۱) برخی از عوامل باعث از بین رفتن ماهیت جرم می شوند [یعنی اصلا جرم نیست تا مجازات داشته باشد] مثلا اگر مجری احکام، شخص را به قتل رساند.

به این نوع علل موجه جرم می گویند.

۲) عللی که ماهیت مجرمانه را از جرم بر نمی دارد اما قاضی فاعل جرم را مجازات نمی کند و قانون گذار هم برای او مجازاتی در نظر نگرفته است. مثل اینکه مجنون یک عمل مجرمانه انجام می دهد مثلا شخص را به قتل می رساند، در این جا مجنون مجازات نمی شود زیرا مسئولیت کیفری ندارد.

به این نوع رافع مسئولیت کیفری می گویند.

۳) عللی که اغلب باعث تخفیف مجازات می شوند و در بعضی از موارد شخص مجرم مورد عفو از مجازات قرار می گیرد مثلا همکاری با نیروی انتظامی برای پیدا کردن مجرمین، اخلاق حسنه در زندان که باعث تخفیف می شود.

به این نوع معاذیر قانونی می گویند.

فرق مورد سوم با دو مورد دیگر:

در مورد سوم هم عمل جرم است و هم اینکه شخص باید پاسخگوی جرم خود باشد اما به عللی تخفیف و یا باعث عفو او می شود.

فرق مورد اول و دوم:

در عوامل موجه جرم، عوامل بیرونی هستند مثل دفاع مشروع که بخاطر یک علل بیرونی است و یا مجری احکام، بخاطر یک علل بیرونی [یعنی دستور قاضی] جرمی مرتکب می شود اما در رافع مسئولیت یک ویژگی درونی است مثل جنون و صغر که یک امر درونی هستند.

سوال:

اجبار امری درونی است و یا امری بیرونی؟ [جزء عوامل موجه جرم است یا جزء رافع مسئولیت؟]

اگر اجبار [چه مادی و چه معنوی] درونی باشد جزء عوامل رافع مسئولیت کیفری است.

اگر اجبار [چه مادی چه معنوی] بیرونی باشد جزء عوامل موجه جرم است.

ثمره تقسیم:

۱. در علل موجه جرم اکثر حقوق دانان قائل بر این هستند که مسئولیت مدنی ندارد یعنی جبران خسارتی در کار نیست، اما در رافع مسئولیت کیفری، صرفا مسئولیت کیفری برداشته می شود یعنی مجازات نمی شود ولی مسئولیت مدنی دارد.

البته این مورد استثناء هم دارد مثلا اگر دو کودک با هم عمل شنیع انجام دهند آنها را تعزیر می کنند.

۲. در عوامل موجه جرم شریک و معاون مجازات نمی شوند ولی در رافع مسئولیت کیفری مجازات می شوند.

تفاوت مسئولیت کیفری و مدنی:

۱) تفاوت از لحاظ قلمرو و دایره ی شمول: مسئولیت کیفری قلمرو آن در امور کیفری و حقوق

عمومی است برخلاف مسئولیت مدنی که قلمرو آن در امور مدنی و حقوق خصوصی است.

۲) زمان ایجاد مسئولیت: مسئولیت مدنی زمانی ایجاد می شود که خسارت و ضرری به کسی وارد

شده باشد و یا نقض قراردادی رخ داده باشد ولی در مسئولیت کیفری نقض قانون جزایی است.

۳) از لحاظ نحوه رسیدگی: مسئولیت مدنی در دادگاه های حقوقی قابل رسیدگی است اما در

مسئولیت کیفری به حسب مورد در دادگاه ها و دادرهای کیفری است.

۴) از لحاظ لازم الاجرا بودن: در اکثر قوانین مدنی قانون خاصی برای رسیدگی به دعوا مد نظر نیست و

معمولا دادگاه های حقوقی با توجه به قراردادهای فی مابین، عرف و قراردادهای مسلم مردم و قواعد

حقوق و جزای عمومی ۲

اصولی و حقوقی صورت می گیرد، اما در مسئولیت کیفری که یک قانون جزایی نقض شده دادگاه و یا دادسرا در مقام تشخیص بایستی قانون اجرایی را مدنظر قرار دهد.

۵) از لحاظ ضمانت اجرا: در مسئولیت مدنی ضمانت اجرا جبران خسارت، اعاده به حالت اولیه و الزام به تعهدات است. اما در مسئولیت کیفری مجازات است.

عوامل رافع مسئولیت:

۱) جنون (۲) صغر (۳) اجبار (۴) اشتباه (۵) مستی (۶) خواب (۷) بیهوشی

نکته:

برخی عوامل رافع مسئولیت کیفری را به ۲ دسته تقسیم کرده اند:

۱. عوامل تام: عواملی که همیشه رافع مسئولیت کیفری هستند ← جنون، صغر، اجبار

۲. عوامل نسبی: عواملی که غالباً رافع مسئولیت هستند ← اشتباه، مستی، خواب، بیهوشی

۱) **صغر:** در حقوق ایران مسئولیت کیفری از لحاظ سنی برای پسران ۱۵ ساله قمری و برای دختران ۹ سال قمری است.

ماده ۱۴۷ [سن بلوغ، در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است].

پس برای افراد نابالغ مسئولیت کیفری وجود ندارد.

ماده ۱۴۶ [افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند].

اما اگر افراد نابالغ جرمی مرتکب شدند برای آنها اقدامات تأمینی و تربیتی اجراء می شود.

ماده ۱۴۸ [در مورد افراد نابالغ بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود].

ماده ۸۸ مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی برای نوجوانان و جوانان را بیان کرده است.

ماده ۸۸ [درباره ی اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند الف- تسلیم به

والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با ...]

سوال:

اگر در بین ۱۵ تا ۱۸ سال جرمی مرتکب شدند آیا مجاز است بعد از ۱۸ سال انجام می شود؟

حقوق و جزای عمومی ۲

در مسائل تعزیری ۱۵ تا ۱۸ سال و در مسائل حدی ۱۸ به بالا اجرا می شود.

(۲ جنون: در زمان ارتکاب جرم اگر فرد دچار اختلال روانی شود به نحوی که یا فاقد اراده گردد یا قوه ی

تمییز او زائل شود، مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.

ماده ۱۴۹ [هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا مجنون

باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.]

مجنون قبل از ارتکاب عمل مجرمانه باید در جای مناسبی نگه داری شود.

ماده ۱۵۰ [هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم

مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی

مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می

شود.]

جنون بر دو نوع است:

۱. دائمی ← جنونی که به طور دائم و مستمر وجود دارد و اگر هم با معالجه و مداوا شدت خود را

از دست دهد باز هم جنون وجود دارد.

۲. ادواری ← حالت دیوانگی که گاه عارض می شود و گاه افاقه و درمان می گردد.

نکته:

۱. با توجه به تصریح ماده ۱۴۹ اختلال روانی باید در حین ارتکاب جرم موجود باشد تا مانعی برای

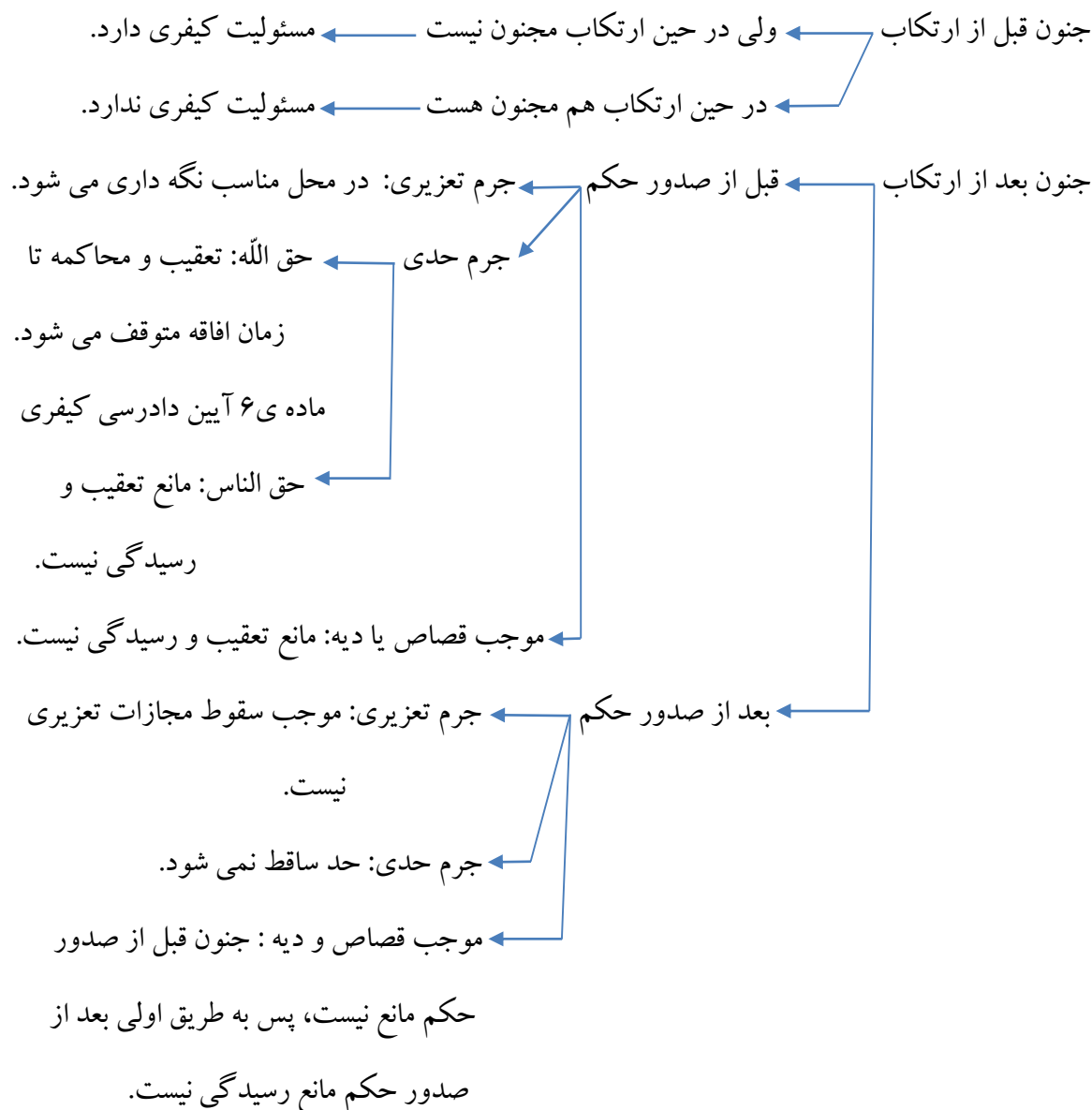
مسئولیت کیفری تلقی گردد.

۲. جنایت ارتكابی توسط مجنون مطابق با ماده ۲۹۲ خطای محض محسوب می شود و مطابق ماده ۳۰۵

مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر محکوم می شود.

۳. هرگاه مجنون مافی را تلف کند مسئولیت مدنی برایش متصور است.

حالات جنون نسبت به جرم:



نکته:

جزای عمومی از قواعد اصول عام و مشترک بین تمامی جرائم بحث می کند اما در جزای اختصاصی فقط در مورد یک جرم خاص بحث می کند به طور مثال در جزای عمومی به عناصر جرم، مشارکت، معاونت، سبب و امثال اینها که در تمامی جرائم قابلیت تصور دارد بحث می کند.

اشکال:

برخی موارد در تمامی جرائم مشترک نیست مثل مشارکت که در جرم زنا متصور نیست بلکه فقط یک نفر زنا را انجام می دهد، پس در تعریف جزای عمومی باید گفت قواعد و اصولی که بین اکثر جرائم مشترک است.

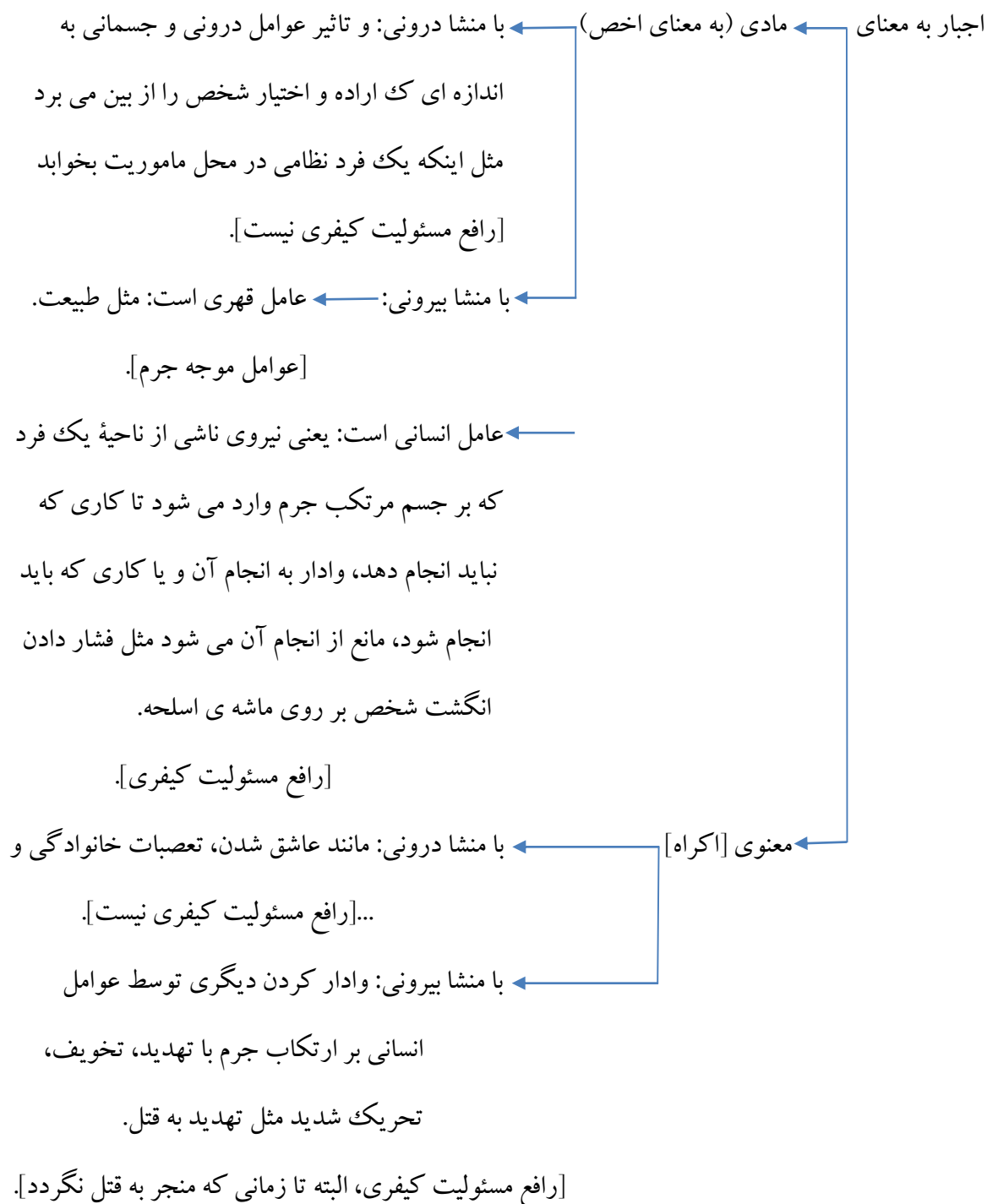
حقوق و جزای عمومی ۲

(۳) **اجبار:** مختار بودن با توجه به اینکه از شرایط مسئولیت کیفری است، عواملی که باعث زوال اختیار می شود مانع مسئولیت کیفری است، بنابراین اجبار و اکراه از موانع مسئولیت کیفری است.

(۴) **اکراه:** وادار کردن به عمل یا ترک عملی که شخص از آن کراهت دارد و رضایت ندارد ولی قصد دارد.

فرق اکراه و اجبار:

- ۱- در اکراه شخص رضایت ندارد ولی قصد دارد اما در اجبار نه رضایت دارد و نه قصد.
- ۲- اجبار جسم مرتکب را تحت تاثیر قرار می دهد ولی اکراه روان مرتکب را.
- ۳- اجبار با منشا بیرونی به غیر از قتل مانع مسئولیت کیفری است ولی با منشا درونی مانع مسئولیت کیفری نیست.



سوال:

بیان شده که عوامل رافع مسئولیت کیفری را عوامل درونی هستند مانند صغیر یا مجنون اما در این جا ۲ مورد ذکر شده که از عوامل بیرونی هستند ولی با این حال از عوامل رافع مسئولیت کیفری هستند. چگونه این را توجیه کنیم؟

عوامل رافع مسئولیت کیفری غالباً درونی هستند نه همیشه.

مجازات اکراه کننده:

- (۱) در جرائم موجب تعزیر مکره از مجازات معاف و مکره به مجازات فاعل جرم محکوم می شود.
 - (۲) در جرائم موجب حد در مورد زنا مکره اعدام می شود و در مورد لواط مکره و مکره هر دو اعدام می شوند.
- ماده ۲۳۴ [حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر دو صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.
- ماده ۱۵۱] هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری می شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد. در جرائم موجب تعزیر اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می شود.]

نکته:

به موجب ماده ۲۱۸ قانون مجازات در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که ادعای او با تهدید، ارباب یا شکنجه گرفته شده ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود. [این مورد به زنان است].

(۳) در جرائم موجب قصاص ← مکره جنایتی بر روی دیگری انجام داده: الف- اکراه در جنایت بر نفس است مثل قتل دیگری که در این جا اکراه مجوز قتل دیگری نیست پس در این صورت مکره قصاص و مکره به حبس ابد محکوم می شود.

ب- اکراه در جنایت بر عضو است مثل قطع عضو که در این جا مکره قصاص می شود.

ماده ۳۷۷ [اکراه در جنایت عضو موجب قصاص اکراه کننده است].

← مکره جنایتی بر روی خود انجام داده: ماده ۳۷۹ [هرگاه کی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شوند گردد. جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او نداشته باشد و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می شود نیز نداشته باشد. در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می شود.]

نکته:

طبق ماده ۳۷۹ سه فرض بوجود می آید:

- ۱- مکره با قصد جنایت بر نفس، مکره را وادار بر امری می کند ← مکره قصاص می شود.
- ۲- مکره می داند وادار کردن مکره به عملی، غالباً موجب جنایت می شود ← مکره قصاص می شود.
- ۳- مکره قصد جنایت ندارد، علم و آگاهی هم از غالباً موجب جنایت شدن ندارد ← قصاص نمی شود و فقط دیه پرداخت می کند.

نکته:

اگر مکره، مکره را مجبور به خودکشی کند ← اراده از مکره سلب شود: مکره قصاص می شود.

← اراده از مکره سلب نشود: مکره حبس ابد می شود.

عوامل رافع مسئولیت کیفری به صورت نسبی:

(۱) اشتباه: تصویری خلاف واقع داشتن اعم از اینکه آن امر موضوعی باشد یا حکمی.

سوال:

اشتباه بدون حکمی و موضوعی به کدام یک از اشتباه اشاره دارد؟

اشتباه اگر بدون قید آمد منظور اشتباه حکمی است.

ماده ۱۵۵ [جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن

نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.]

در اشتباه حکمی اصل بر این است که مانع مسئولیت کیفری نیست ولی استثناء در جایی که تحصیل علم

عادتاً برای مرتکب ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود از عوامل رافع مسئولیت کیفری

است.

نکته:

فرض در قانون این است که تمامی افراد جامعه آگاه به قانون هستند.

سوال:

طبق فرض بالا بیان شد که تمامی افراد عالم هستند ولی استثنائی بیان کردیم که جاهل به حکم معذور است

حال بار اثبات بر عهده ی کیست؟ یعنی آیا باید مرتکب اثبات کند که شامل استثناء می شود و یا قاضی باید

اثبات کند که شخص آگاه بود؟

به عبارت دیگر آیا باید قاضی تفحص کند که این شخص عالم بوده یا نه و یا مرتکب باید ثابت کند که

قانون را نمی دانسته؟

طبق اصل بالا بر مرتکب است زیرا اصل بر این است که همه می دانند پس مرتکب باید ثابت کند که نمی

دانسته.

سوال:

از یک طرف گفته شده عنصر معنوی در جرم لازم است (یعنی علم و قصد) و اگر علم باشد شخص مجرم و

عارف نیست و از طرفی گفته شده جهل به حکم مانع جرم نیست یعنی شخص مجرم است.

حقوق و جزای عمومی ۲

به عبارت دیگر از یک طرف می گوید جاهل مجرم نیست و از طرف دیگر می گوید جاهل مجرم است. چگونه این تناقض را می توان حل کرد؟

۱. اصل و فرض علم داشتن است حتی اگر عالم هم نباشد (پس عنصر معنوی را خراب نمی کند) و قانون گذار فرض را بر این گذاشته که شخص علم دارد.
۲. گروه دیگر گفته اند که قانون گذار عنصر معنوی را زائل کرده است و شخص حتی اگر علم هم نداشته باشد مجرم است، یعنی قانون گذار می گوید بدون علم من فلان عمل را جرم قرار داده ام و موید آن ماده ۱۵۵ است.

نکته:

جهل به نوع و میزان مجازات رافع مسئولیت نیست.
تبصره ماده ۱۵۵ [جهل به نوع و میزان مجازات مانع از مجازات نیست].

سوال:

ماده ۲۱۷ [در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسوول است که علاوه بر داشتن علم قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد].
اینکه گفته می شود به حرمت شرعی آگاه باشد یعنی چه؟
منظور علم به حکم است.

نکته:

در جرائم حدی علم به حکم از شرایط تحقق مسئولیت است و در صورت عدم علم مسئولیت متوجه مرتکب نخواهد بود.

این حکم از جمع میان ماده ۲۱۷ و ۱۵۵ به دست می آید.

زیرا ماده ۲۱۷ در مورد حدود است یعنی در حدود نیاز است که شخص عالم به حکم باشد اما ماده ۱۵۵ در مورد غیر حدود است؛ پس در جرائم حدی علم به حرمت نیاز است اما در جرائم غیر حدی علم به حرمت نیاز نیست.

سوال:

اثبات در این جا با مرتکب است یا با قاضی؟

در این جا قاضی باید ثابت کند. در نتیجه اثبات جرم در حدود با قاضی و اثبات عدم جرم در غیر حدود با مرتکب است.

اشتباه موضوعی: تصور خلاف واقع در خصوص موضوع جرمی که واقع شده.

اشتباه در موضوع دارای ۲ حالت است:

۱. در جرائم عمدی: اصولاً باعث عدم تحقق جرم می شود [در جنایت عمدی جهل موضوعی منجر به

جنایت غیر عمدی می شود].

۲. در جرائم غیر عمدی: اشتباه تأثیری ندارد و جرم محسوب می شود.

اشتباه قاضی ← در صورت عمد قاضی: مسئولیت کیفری متوجه قاضی است

← قاضی تقصیر دارد: مسئولیت کیفری ندارد و صرفاً مسئولیت مدنی دارد.

← نه عمد و نه تقصیر: خسارت متوجه بیت المال است.

(۲) **خواب:** ماده ۱۵۳ [هر کس در حالت خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون

جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی

مرتکب جرم می شود عمداً بخوابد و یا خود را بیهوش کند.]